گپو گفتی با حسین شاہ حسینی **چرامردمازهمفاصلهدارند** 

در هفته گذشته مراسمی برگزار شــد که طی آن شماری از پیشکســوتان عرصه ورزش مورد تقدیر قرار گرفتند. در میان پیرمردانی که خبر گزاری های مختلف عکس دسته جمعی شان را منتشر کردند.سیمای گرفتند. در میان پیرمردانی که خبر گزاری های مختلف عکس دسته جمعی شان را منتشر کردند.سیمای حسین شاه حسینی برای اهالی سیاست و تاریخ معاصر آشناتر از سایرین پود. شاه حسینی همان کسی است که بعداز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و در اوج خفقان کشور، نامه های محرنامه دست اندر کاران نهض مقاومت ملی را جابه جاکر ده و به عبار تی برای در هم شکستن چهره کود تا در ایران فعالیت کر ده. پیر مردی که در اکثر مراسم دگراندیشان سیاسی – اجتماعی حضوری فعال داشته است. در یکی از این مراسم اور دیدم که بر صندلی تاشویی نشسته و چانه رابر عصایش می فشر د. گفتم: «آقای شاه حسینی چقدر شبیه دکتر مصدق شــدهاید»، خندهای کردو گفت: «صلاح کار کجا و من خراب کجا!» او نخستین رئیس سازمان نربیت بدنی پس از انقلاب است و کسی که ورزش راکبی را نخسستین بار به ایرانیان معرفی کرده. انتشار تصویر او در مراسمی رسمی که عنوان تقدیر از پیش کسو تان ورزشی را داشت بهانمای شد برای یک گپ و گفت کو تاه چرا که او پیش از این، کمتر در محافلی تا این اندازه رسمی حضور داشته است. گفت و گویی درباره فمەچيزوھىچچىز...



•ديدارياشنيدنصداي شماهميشهدر من اين اس را به وجود می آورد که با یک تاریخ زنده سروکار دارم. سینه تان بایدمثل تاریخ کشورمان پر در دباشد؟

چه بگویم؟! به هر حـال زندگی جریـان دارد و البته تخوش تغییرو تحولات است. • شاید لازم نباشد چیزی بگویید چون همین

چه بگویم» کے گفتید خودش ہے دنیا حرف درونش هست... (می خندد). والله چه عرض کنم! • صدایتان خواب آلوده به نظر می رسید، بد

وقعى مزاحم شدم؟

نش خوب شــد که تماس گرفتيدچون مشغول ر ـــــــ موجعت بادمین بردیند چون مشفول نوشتن یادداشتی بودم که بسیار هم مهم بود. کمی خوابم برد و حالا با تمانی شسما بیدار شدم و می توانم با پایان گیمان کارم راادامه بدهم. **•فکر تان این روز هابیشتر در گیرچیست**؟

، سر کان ی**ی روز د**ینیستر در بیر پیشت. مسائل کشــور الان خیلی پیچیده شــده و در این بیچیدگیها ما معلوم نیست کجاهســتیم. این روزها یشتر در گیر این فکر هستم که چه اتفاقی افتاده که ... ر ر ... ر ک ر ... مردم چیزهایی را که گفته میشــود تغییر کرده لمس مے کنند ببینیدمایہ یک معنادر کشور بالمیدمواجھیے حتی گاهی با امیدهای بسـیاری که مدام در بوق و کرنا می شود اما شمار زیادی از اینها به یأس مبدل می شود. این وضع برای جامعهای که می توان گفت در بحران به سر می برد خیلی خطرناک است. شما الان نگاه کنید به میزان ناامنی در منطقه. الان برنامه حساب شده ای ،ری ت کهمردم چند کشور مهم خاورمیانه بتوانند حتی برای یک ماہ ہے در دسے باشند و احساس امنیت کنند. ار شما الان ببینید هر روز در خاورمیانه آتش جنگ بلند است. جنگ های فرقهای، مذهبی و.. این برای کشور ما هم که در گیر بحران هایی هست خیلی خطرناک است. بدبختانه یک آفتی که داریم این است که هنوز درست مى توانيماين مسائل را تحليل كنيم.

میی ونیچاین مسافر را تعلین نیچ • شماسال هاواز زمان نهضتماقومتملی بعد از کودتای ۸ امردادبا مسائل سیاسی –اجتماعی درگیر بودهاید، فکر می کنید چرا خاورمیانه همیشه درگیر این بحران هاست و صلح همیشه

معوق است؟ چراوضع مابهتر نمی شود؟ ایرادش این است که مردم ایــن منطقه نمی توانند خودشــان را به لحاظ اجتماعی ار تقا بدهند خاور میانه مدام دستخوش تغییر و دگر گونی بوده، مدام در معرض ستعمار و استثمار بوده است، یکی آمده و دیگری رفته،

رویاهای من هم با همین تفاسیر وجود داشته و دارند. آرزوهایی که گاهی قدمتشان به اندازه سن و سال یک

"ر آرزوهای دور و درازی داشتهام و هنوز هم آن آرزوها

پابرجاست یادم هست حدود چهاردهه پیش، زمانی که فعل وانفعالات سیاسی کشور به حد بالایی رسیده بود، همواره در این رویا و آرزو بودم که کشوری داشته

بر میکرد و کرد و رواد در آن به موازات هم در حرکت باشـــدو هر دو پای جامعه ما را تشــکیل دهند. پایی

که بتواند جامعه را راه ببرد و به جایی برساند که آمال و آرزوهای بسیاری از مارا بر آورده سازد.این آرزوی

من جامه عمل به خود نپوشید و در مسیر آن، موانعی

وجود داشت و هنوز هم دارد که نمی توان امیدوار بود چنین آرزویی جامه عمل بپوشـد.این موانع بیشــتر یسین ارزوی معصفا بهوست این موع بیست. حول وحوش نیروهایی می گردد که وجود عدالت آنها را در مسیر تنگنا و دسترسی نداشتن به برخورداریهای ویژه رهنمون می سیازد عدالت عنصری است که اگر وجود داشته باشد و در متن جامعه جریان پاید مسیر

برخورداری های این گروه را مسدود خواهد کرد. تاسف

: ادماست.

چرا؟ خب بدیهی است که ثروت زیادی در اعماق این خاک نهفته است. منطقهای که وجب به وجبش برای چپاولگران غرب و شــرق طعمانگیز بوده اســت از این زاویه اگر نگاه کنیم، خیلی چیزها روشن می شود.این که نظریه در باب چرایی این موضوع وجود دارد؛ یک گروه می گویند جوامع خاورمیانه توسط استعمار گران عقب نگاه داشته شدهآند و یک عده معتقد به عقبماندگی و نه عقبنگه داشته شد کی من فکر می کنم هـر دوی این نظریه هـا می توانند در جای خُود درست باشــَند چرا که تاریــخ خاورمیانه این را نشــان میدهــد. ما هم عقـب ماندهایــم و هم عقبنگەداشتەشدەايم

•تمــام پیامبــران الهــی امــا از ایــن خــاک تهاندازجمله پیامبران صاحب کتاب که بر خاسے بر معروفاند به چــراغ هدایت مردم. چرا درســت باید در همین خــاک این همه آتشافــروزی رخ دهدوحالامشکلات عدیده عالم یک پایشان در خاورمیانه باشد؟ ار تجاعیها در خاورمیانه دارند خون خلق راتوى شيشەمى كنند...

همانطور که گفتم این دلایل متعددی دارد که البته خشیاش مربوط به دستاندازی قدرتهای این سو و آن سوی عالم اُست که طی قرُون متمادی انجام شده است یعنیاز وقتی که توانستند به فنون دریانور دی آشنا شوند و بخش دیگریاش هم مربوط به عدم توسعهای است که فرهنگ این مردم با آن مواجه بوده، یعنی این که خودشان نخواستند ر شد کنند. شما از انقلاب مشروطه بهاينسواگر همين ايران خودمان رانگاه کنيد،مي بينيد که چقدر با فراز و نشیب مواجه بوده است. گاهی رو به تكامل وگاه ديگر چنان رو به عقب و واپس گرا كه باورش

## •فکر می کنید چرا مردم ما اینقدر میان شان فاصله افْتاده؟ اصلاقاً يُل بُه اين هستيد كه جامعه ايران اتميز دو پار دو پار دشده است؟

ايوران لمفيره وي بردو پار دهنداست : من فكر مى كنم اين حرف اصالت ندارد يعنى اينطور نيست كه مردم به شــكل خوداً گاه چنين شده باشند. به هر حال آن قدر فشارها و مشــكلات زندگى بر دوش ، همه بار است که خود به خود هر کس صلاح را در این می بیند که بار خودش را بر دوش بکشــد.چاره دیگری ی... نیست و گرنه این مردم نشسان دادهاند که در بزنگاهها، مردممنسجمونوع دوستی هستند.

مردمهستبویوی وسی هم هستندایعنی یک جایی هامامردم عجیبی هم هستندایعنی یک جایی که باید سیکوت کنند اور نامی زنند و جایی که بایدفریادبکشندسکوت می کنندامن نمی توانم قبول کنم که مابه فکر هم هستیم امی خواهم اسم فرهنگ جاری اجتماعی سان را بگذارم فرهنگ



ىرور كنيدمىڧھميداواصلادغدغەخودشرانداردبلكە نغدغه خير عمومى است كه بنياد تفكر تختى را شكل

مىدھد معكس معروفي دارد كه كنار مرحوم آيتالله طالقانىنشستەوبە گفتو كومشغول اند... بلداوارادتخاصى بەلىشان داشتەاست.مضافالىن كە يک مصدقى تمامعيار بود. ھمين است كە وقتى جايى

" در کشور به اسم بویین (هرا زلزله می آیدو فجایعی بهبار می آورد تختی پرچمــدار خیر عمومی می شــودو راه مے افتدیرای کمک به; لز له; دگان یول جمع مے کند وپدرم تعریف می کند که وقتے توی خیابان لالدزار راہ افتادہ بودہ از طبقات بالای ساختمان ھا

پولروىسرشمىر يختند... بله كاملادرست است. مردم به تختى عشق واز آن مهمتر اعتماد داشـــتند. می خواهم بگویم اعتماد برای مردم شرطی است که از همه چیز مهمتر است. •در هفتــه گذشــته از شــماو شــماری دیگر

از پیشکست ندسته دور استماو وستماری دید از پیشکستونان ورزشمی کشور طی مراسم بزرگذاشتی تقدیر شد دست کم لوچ اش را که مادیدیما این بیشتر یک نمایش بود یا این که واقعافر هنگ احترام به پیشکسوت در جامعه ما بهادينهاست؟

ِاستش را بخواهید من یک انتقادی دارم. نمی، به هر کسی گفت پیش کسوت. معنای کسوت در نظر ، من بسـيار عميق ّر از اين اسـت كه اگر يک «پيش» قبلش بگذاريم همهچيز تمام شود. پيش كسوت بايد مرامی داشته باشد فراتر از مرزهای مشلا ورزش یا هر زمینه دیگر امن در آن مراسم عزیزانیی را دیدم و با ایشان آشنا شدم که حتی پیشتر نامشان را نشنیده ، بوده. خب من نمی توانم روی هر کسی نام پیش کسوت بگذارم. پیش کسوتی یک مرام است. این را باید در ک کردو به آن احترام گذاشت.

«مهسر» در گزارشسی آورده است: خبر گزاری سىان،ان، موسسه سرويس خبرى بلومبرگ، شبكه اول تلويزيون دولتى بلژيک، فايننشـنال تايمىز، روزنامەھاى گاردىيىن، لس آنجلس تايمز، دىلى تلگراف ولارىپوبلىكاروزنامەايتاليايى ،كوريرە دلاسرا»، روزنامه اینترنتی اماراتی نشنال و موسسه بینالمللی یورومانیتور جزو ۱۱ رسانه بینالمللی و مهمی هســتند که به تازگی دربــاره جاذبههای گردشگری و میسراث فرهنگی ایسران مطالبی را

شب رفت صبوح آمد غم رفت فتوح آمد

از دولت محزونان وز همت مجنونان

فرصتىرانسوزانيم

در این گزارش آمده:مدتی است که رسانههای خارجی نسبت به ایران رخ نشسان دادهانسد و در گزارش هسای پی در پسی ایسران و جاذبه هایش را معرفی میکنند. این رویکرد آنها به گردشـگری ایران دلایل مختلفی میتواند داشته باشد. آنچنان رس -رس : می کار که در گزارش های آنان نیز آمده است، تغییر دولت و نگاهش به ورود گردشگران خارجی، تلاش برای لغور روادید و افزایش ارتباط و تعامل با کشـورهای دیگر، تنشهای موجود در کشورهای خاورمیانه و

آرام بودن اوضاع سیاسی اجتماعی ایران بخشی از این دلایل است که می تواند نگاه آنهارا به گردشگری وميراث فرهنگى ايران معطوف كرده باشد تا جايى که مهمترین رسانه های بین المللی نیز در تعریف و تمجید جاذبه های ایران بر آمده و سعی در ترغیب

www.shahrvand-newspaper.ir

امروزبامولانا

خورشید درخشان شد تا باد چنین بادا

آن سلسله جنبان شد تا باد چنین بادا

یک خبر | یک نگاه 🊺

گردشگران خارجی برای سفر به ایران کرده اند. آنچه در این میان اهمیت دارد ۱۰ ستفاده از فرصت پیش رو برای شناساندن فرهنگ ایرانی است. اینکه آنها چه نیتی در پس گزارش های پی در پی خوداز شناساندن ایران دارند حتی اگر با نیت ناصواب هم همراه باشد مى تواند فر صتى به دست دهد تا زمينه ارتباط بیشترانسانی بین ایرانیان وسایر ملل،فراهم آید واز این رهگذر فرهنگ ایرانی بیش از پیش در معرضٌ دید جهانیان ُقــرار گیرد. چنین موضوعی آنجااهمیت می ابد که بدانیم سال های سال علیه کشــورمان تبليغات ناصواب مىشــد تا جايى که ایرانیان را با دیگر چشـــم، می دیدند این فرصت را باید دریافت و برای آن برنامه داشت. اگر مطابق روال گذشتهبازهمفرصت پيش آمدهرانسوزانيم.



## آنا گاوالدا

صدای بچهها , اشنیدم که حمدی بچه رامسیدم ک جر وبحث می کردنـد، واقعا دیگر نمی توانســتم صحبت کنم. دالم می خواسـت قطع کنم. بالاخره گوشی از دستم رهاشد. گفتم: -كى؟ ى -توبايدېگويى. ف داخوب آست؟ بلەاگر تُوبتونى؟ كحا؟ در میانه راه شهرهایمان

ئلادر سولى.. می توانی رانندگی کنی؟

شاتر

-بلعمی بوانم. -مگر سولی چەدارد؟ -خب فکر کنم چیز زیادی ندار د.قرارمان جلوی شهردارىباشد وقتناهار؟ رب نه نه. غــدا خوردن با من چنــدان لذتی ندارد میدانی.. بازهم سعیمی کردبخندد. -بعداز ساعت ناهار بهتر است. برشیاز کتاب«دوستداشتم ک منتظر مباشدة نوشته آنا گاوالدا



عوض شدهبود،بغض آلود) -بلەدقىقا.چىزى شېيەزيارت.بايد گفتچەرە توجايىاست كەزندگى من بر آن نشان خوردە. -زيارتھاھميشەحزن انگيزند. -چُراُاینرامی گویی؟!هر گزبهزیارترفتهای؟! -بە؛چرادرلورد... -بلەبلەيىشكلورد...

حصی باتوست، میچی. همین است دیگر. زندگی همیــن است. به تــو تلفن نکردمام تا کلاف گذشته را از

نوبشكافم يابكويم دنيا چقدر

رویک است، میدانی.. با تو کوچک است، میدانی.. با تو تماس گرفتم فقسط به این خاطر کـه میخواهم یک بار

بەسختىسعىمىكردلحنشوخ

صداىخشخششب





ەدالت:ناب،بەعقبر اندند.

روپاهایی که هرچند در متن جامعه باید جریان یابداما بیش از هر چیز، به زمینه ظهور آن بازمی گردد که متن

نست اخلاقیات باشد اما این موضوع بیش از هر چیز سف اعربیان جامعه این موسط بیش در پیر رو پیر به افراد واعضای جامعه از مجموع اخلاقیات حاکم بر تک تک اعضا تشکیل شده است. اخلاقیات هرچند وابسته به یک فرد است اما حوزه ظهور و بروزش متن جامعه است و آنچه در سر جمع جامعه دیده می شود، . حاصل جمع روحیه حاکم بر فـرد فرد اهالی اجتماع خواهد بود. همین است که می گویم مانع برای تحقق سُیاری از آرزوهای عدالتمحور است. زمانی که افراد ورانتخوار) از تحقق عدالت در آن جلو گیری کردهاند، روزگار می گذرانندخواه ناخواه گرفتار روحیه جاری در آن خواهندشد. روحیه ای که کم کم حتی برای افرادی کی ورسیسترو بیای ت می می می می برای که گریزان از بی عدالتی بودهاند، مستولی خواهد شد. این است که اگر رویای اجتماعی هم برای جامعه خود متر تب بدانم، به این دلیل کـه روحیهای ناهماهنگ

شماآدمبهترى بسازد. ىىدە:

او پاســخ داد: هر چيـــز که شـــما را دل\_رحمتر ،

ابودایی، یا «ادیان شـرقی که خیلــی قدیمیتر از مسیحیت مستنده دالایی لامـــا کمی درنگ کــرد، لبخندی زدوبه چشمان من خیره شد،و آنگاه گفت: بهترین دین آن است که شمار ابه خداوندنزدیک تر سازد.دینی که از

من که از چنین پاسخ خردمندانهای شرمنده شدەبودم، پر ę.-



دالايي لاما

لثوناردوباف بزرهشكر

در کل جهان است.

ه به ان به یادداشـــته باش، عالم هستی باز تاب اعمال و

همیشه چیزهایی را به دست خواهی آورد که

قُانسون عمسل وعكس العمل فقسط منحص

اگرخوبی کنی، خوبی می بینی واگر بدی کنی، بدی

ستینبودود یی دید مهرین سرز باکنجکاوی، والبته کمی بدجنسی، از او پرسیدم: عالی جناب، بهترین دین کدام است؟ باخودم فکر کردم که او لابد خواهدد گفت:

آنچەمراانسانبھترىمىسازدچي

ا افکا، ماست. فيزيك نيست درروابط انساني هم صادق است

در میز گـردی که دربـاره «دیـن و آزادی» بر پا بودو دالایی لاما هم در آن حضور ه

و پیسے مداخر پیسر میسیدر میں اور کی ہے۔ فہمیدہ تــر، مســـتقل تر، بیطرف تــر، بامحبت انسان دوست تر، بامسئولیت تر واخلاقی تر سازد.

برای دیگران نیز همان هاراآرزو کنی. شادبودن، هدف نیست. یک انتخاب است.



تیر ۱۳۳۱ است و روز دیگر ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. در اولی اتحادی درهم شکننده ظلم وجود دارد و در دومی سکوتی مرگبار که مسیر تاریخ کشور مارا دگرگونمی کند! یر ہوتا ہے۔ بله در ست اســت. این مربوط می شــود به بحث اولم درخصوص توسعەنيافتگى اجتماعى وفرھنگى –غيراز بحثھاى اقتصادى –در خاورميانـــه بايد بېذيريم كە

مردم منطقه یا به عبارتی تر موردهای مردمی که جوامع خاور میانه را تشکیل می دهنداز نظر فکری – فرهنگی دچــار گرفتاری هایی هستند یا بــه عبــارت بهتر با كاستىھايىدر گيرند.

ناستىھايەر تيرند •فكر عىكنيديالغلاق-بەمعناى تئورى زندگى خوب-بىگانىشدەايم؟ وقتىاسطورەھايمان دىگراسطورەنيستندوبەچهارتا عكس وشعار تنزل پيداكردەندەمعلوم است كەزندگى اخلاقی دیگر سودی ندارد.در شرایطی که همه دنبال سود میگردند حالا بنشـینیم مدام حرف بزنیم چه سودې دار د؟

• گفتیُداسطورہ به یاد آقا تختی افتادم. تختی چرا اسطوره شــد؟ تنها از ورزش نمی شود تا این اندازه خوشنام شد! عمر قهرمانی حداکثر کمتر از یک دهه پس از پایان قهرمانی تمام می شود...

## نختى يک پهلوان تمام عيار بود. شما زندگى اش را که

بی مناسبت

ىن اين است در اين مدت گروههای ذينفوذ در جريان روبه جلوی جامعه، قدرت یافتندو ما رااز دسترسی به

حمدمهدى جعفرى

آرزوهاو روياهايى كه داشــــتهايم از آن امروز و ديروز زرود- درو--یی نیست.دیر زمانی است که آرزوهایی داریم که گاهی " رســيدن به آنها بســيار بعيد مىنمايــدو گاهى هم آنقدر نزديک بودند که اگر همگى دست.بەدست هم مىداديم، جامعةاى أرماني اختيار مى كرديم. أرزوها و

،ر اثر زیست در جامعهای که قشری خاص (نوکی

. رویاهای دیگری هُم داشـــته و دارم. رویاهایی که د متنٌ جامعه باید طَهور و بروز داشته باُشند اما هرچه می اندیشم بازهم به این مهم برمی خورم که رویاها و آرزوهاى اجتماعى من هم به همين زمينه بازمى گردد.

جامعەفاقدعدالتازبروز آن جلوگیریمی کند. دوستداشتەودارمجامعەماجامعەای باتوسعه یک

جامعه مارافراگرفته و جامعه راازیکسانی در ارزش های خلاقی برون رانده، نمی توان به تحقق آن امید داشت.

ديني كەاين كار رابراي شمابكند، بهترين دير دینی نه این تار را برای سمابعد،بهمریں ـ یی است. من لحظهای ســاکت ماندم و به حرف های خردمندانة اواندیشــیدم. به نظر مــن پیامی که در ىرىسىدە و دوسىيىپ، بې سرىسى پېتى تار پشت حرفھاى او قرار دار دچىنىن است: دوســـت من!اين كە تو بە چەدىنى اعتقاد دارى برای من اهمیت ندارد. آنچه برای من اهمیت دارد، رفتار تو در خانه، در خانواده، در محل کار، در جامعه و

پند